فصل‌نامه مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی

مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران

بهار ۱۴۰۵، دوره ۱۲، شماره ۳۳، ۲۲۰-۱۹۳.

تأثیر سیاست‌های نظارتی و مقرراتی بر تعامل با نظام بانکداری بین‌الملل با نقش میانجی شفافیت مالی

نیما ذوقی[۱]، ندا صلاحی سنندج[۲]، محمد ادیب مکرونی[۳]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سیاست‌های نظارتی و مقرراتی بر تعامل با نظام بانکداری بین‌الملل با نقش میانجی شفافیت مالی انجام شده است. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی و کاربردی محسوب می‌شود و جامعه آماری آن شامل تمامی کارکنان بانک‌های شهر تهران است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و متناسب با تعداد پارامترهای مدل معادلات ساختاری تعیین شده، و در نهایت ۳۸۴ نفر به صورت نمونه انتخاب و پرسشنامه‌ها توزیع و جمع‌آوری شد. داده‌ها با بهره‌گیری از پرسشنامه‌های استاندارد سیاست‌های نظارتی و مقرراتی (بارت و همکاران، ۲۰۱۳)، شفافیت مالی (چن و همکاران، ۲۰۱۰) و تعامل بین‌المللی بانکی (بوخ و نویگباوئر، ۲۰۱۷) جمع‌آوری گردید، که هر یک شامل چند بعد مختلف با شیوه نمره‌گذاری طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بودند. روایی ابزارها توسط خبرگان حوزه‌های مرتبط و با استفاده از شاخص روایی محتوایی (CVI) و پایایی آن‌ها با ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) مناسب تأیید شد. داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۷ و PLS نسخه ۳ تحلیل گردید. نتایج تحقیق نشان داد که سیاست‌های نظارتی و مقرراتی تأثیر مثبت و معناداری بر تعامل بانک‌های داخلی با نظام بانکداری بین‌الملل دارند. همچنین، شفافیت مالی نقش میانجی معناداری را در رابطه بین سیاست‌های نظارتی و تعامل بین‌المللی ایفا می‌کند، به‌طوری که افزایش شفافیت موجب تقویت اثر سیاست‌های نظارتی بر تعاملات بین‌المللی می‌شود. بر اساس این یافته‌ها، توصیه می‌شود نهادهای ناظر بانکی و سیاستگذاران با بهبود چارچوب‌های نظارتی و افزایش سطح شفافیت مالی، زمینه را برای تعامل مؤثرتر بانک‌های داخلی با نظام بانکداری بین‌المللی فراهم آورند.

کلیدواژه‌ها: شفافیت مالی، مقررات بانکی، بانکداری بین‌الملل، بانکداری.

طبقه‌بندی JEL: G21, G28, F36

---

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. Nimazoghi51@gmail.com

۲. استاد مدعو گروه مدیریت صنعتی، دانشگاه گالوی، گالوی، جمهوری ایرلند. salahinedas@gmail.com

۳. پسادکتری رشته آمار، دانشگاه گالوی، گالوی، جمهوری ایرلند. Adib.makrooni@gmail.com

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از بحران مالی جهانی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۸، نظام‌های مالی در سراسر جهان با چالش‌های متعددی مواجه شدند که ضرورت بازنگری اساسی در چارچوب‌های نظارتی، سیاست‌های احتیاطی و نحوه تعامل با بانکداری بین‌الملل را بیش از پیش آشکار ساخت. بحران مالی نه‌تنها شکنندگی سیستم بانکی را نمایان ساخت، بلکه فقدان شفافیت، ناکارآمدی نظارت و پیچیدگی تعاملات فرامرزی را نیز برجسته کرد. با توجه به این تجربیات، بسیاری از بانک‌های مرکزی و نهادهای نظارتی تلاش کردند تا با طراحی و اجرای سیاست‌های جدید نظارتی، ریسک سیستمی را کاهش داده، شفافیت را افزایش داده و اعتماد به نظام مالی را بازیابی کنند (بوریو و همکاران،[۱] ۲۰۲۳).

به طور مشخص، این بحران نشان داد که مقررات به تنهایی کافی نیستند و شفافیت مالی به عنوان یک رکن مکمل، برای ایجاد اعتماد و تضمین اثر بخشی سیاست های نظارتی در عرصه بین المللی حیاتی است. زمانی که اطلاعات مالی به صورت شفاف و به موقع در دسترس قرار نگیرد، امکان ارزیابی دقیق ریسک برای شرکای بین المللی وجود ندارد و این امر به طور مستقیم بر تمایل آنان برای تعامل با بانک های یک کشور تاثیر منفی می گذارد. بنابراین، این پژوهش به دنبال پر کردن این خلأ است که چگونه سیاست های نظارتی می توانند در کنار شفافیت مالی، تعامل بانک های داخلی با نظام جهانی را تسهیل کنند .در این میان، شفافیت مالی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تقویت اعتماد بازار و بهبود پاسخگویی نهادهای مالی، نقش کلیدی در انتقال مؤثر سیاست‌ها و مدیریت انتظارات بازی می‌کند. به گفته دینسر و

---

[۱] Borio et al.(2023).

آیچنگرین[۱](۲۰۱۸)، شفافیت و استقلال بانک مرکزی دو مؤلفه مکمل هستند که می‌توانند عملکرد سیستم مالی را در مواجهه با شوک‌ها ارتقا دهند. با افزایش افشای اطلاعات از سوی بانک‌های مرکزی و نهادهای مالی، میزان عدم قطعیت در بازار کاهش یافته و بستر مناسبی برای تصمیم‌گیری آگاهانه ذی‌نفعان فراهم می‌شود (دوکاس و همکاران،[۲]۲۰۲۳).

از سوی دیگر، پیچیدگی فزاینده فعالیت‌های بانکی در سطح بین‌المللی، به‌ویژه برای بانک‌های چندملیتی، تعامل این نهادها با قوانین و مقررات کشورهای مختلف را به یک مسئله حیاتی تبدیل کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فاصله نهادی و نظارتی میان کشورها می‌تواند منجر به بروز پدیده «آربیتراژ نظارتی» شود؛ وضعیتی که در آن بانک‌ها با بهره‌برداری از ضعف‌های مقرراتی کشور میزبان، ریسک بیشتری را بدون کنترل کافی می‌پذیرند؛ در این شرایط، کاهش شفافیت در گزارشگری مالی یکی از ابزارهای پنهان‌سازی ریسک در شرکت‌های تابعه خارجی تلقی می‌شود (اونگنا و همکاران،[۳]۲۰۱۳).

در جهان پیچیده و به‌هم‌پیوسته امروز، بانک‌ها و مؤسسات مالی دیگر صرفاً درون‌مرزهای جغرافیایی خود عمل نمی‌کنند، بلکه بازیگرانی فعال در صحنه بین‌المللی هستند. این توسعه افقی فعالیت‌های بانکی موجب شده تا نظام بانکی جهانی با چالش‌هایی مواجه شود که ریشه در تفاوت‌های نهادی، نظارتی و سطح شفافیت کشورها دارد. تعاملات مالی برون‌مرزی، هرچند فرصت‌هایی برای رشد فراهم می‌آورند، اما اگر در بستری شفاف و تحت نظارت مؤثر قرار نگیرند، می‌توانند به منشأیی برای گسترش ریسک سیستمی، بحران‌های مالی و حتی بی‌ثباتی

---

[۱] Dincer&Eichengreen.(2018)
[۲] Dokas et al.(2023)
[۳] Ongena et al.(2013)

در سطح کلان تبدیل شوند. از این رو، توجه به نقش سیاست‌های نظارتی و میزان شفافیت مالی در کنترل و هدایت این تعاملات، به یک ضرورت تبدیل شده است (دینگر و تهکات،[۱] ۲۰۲۰).

مبانی نظری مختلفی در ادبیات مالی بر نقش تنظیم‌گری به‌عنوان سازوکاری برای کاهش ناکارآمدی‌های بازار تأکید دارند. بر اساس نظریه‌های نمایندگی، اطلاعات نامتقارن میان مدیران و سرمایه‌گذاران منجر به انتخاب نادرست و پنهان‌کاری می‌شود. نظریه‌های افشاگری مثل ورکیا[۲](۱۹۸۳) نیز بیان می‌دارند که شفافیت می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و نظم بازار را تقویت کند. در همین راستا، بانک‌ها به‌عنوان نهادهایی با ساختار مالکیتی پیچیده، به‌ویژه در سطح بین‌المللی، مستعد بهره‌گیری از خلأهای نظارتی و نهادی هستند؛ به‌خصوص در کشورهایی که چارچوب نظارتی ضعیف‌تری دارند. این امر می‌تواند از طریق کاهش سطح شفافیت، انتقال ریسک به کشورهای با نظارت سست و در نهایت تهدید ثبات مالی جهانی نمود یابد (ایچلر و همکاران،[۳] ۲۰۱۷).

از سوی دیگر، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که وجود یک چارچوب شفاف در سیاست‌گذاری‌های پولی و مالی، با افزایش قابلیت پیش‌بینی رفتار بانک مرکزی، می‌تواند به کاهش نوسانات بازار، بهبود رفتار بازیگران اقتصادی و ارتقای ثبات مالی منجر شود (ها و همکاران،[۴] ۲۰۲۳) در واقع، شفافیت مالی به‌عنوان یک متغیر کلیدی می‌تواند نقش واسطه‌ای میان سیاست‌های نظارتی و رفتار بانک‌های بین‌المللی ایفا کند. چنان‌که ایچلر و همکاران (۲۰۱۷) نشان

---

[۱] Dinger &teKaat.(2020).
[۲] Verrecchia.(1983).
[۳] Eichler et al.(2017).
[۴] Ha et al .(2023).

می‌دهند، در محیط‌های دارای شفافیت بالا، احتمال اتخاذ رفتارهای پرریسک توسط بانک‌ها کاهش یافته و افشای مناسب اطلاعات، امکان ارزیابی دقیق‌تر ریسک را برای سرمایه‌گذاران و نهادهای ناظر فراهم می‌آورد. برعکس، در محیط‌های کم‌شفاف، شرکت‌های تابعه خارجی می‌توانند از ضعف نظارت برای پنهان‌سازی ریسک استفاده کرده و از الزامات سخت‌گیرانه کشور مادر فرار کنند (امتر و همکاران،[۱] ۲۰۲۱).

مطالعات مختلف همچنین حاکی از آن هستند که تأثیر سیاست‌های نظارتی بر رفتار بانک‌ها به‌شدت تحت تأثیر بافت نهادی کشورها قرار دارد. به عبارتی دیگر، سیاستی که در یک کشور توسعه‌یافته کارآمد تلقی می‌شود، ممکن است در کشورهای در حال گذار به دلیل ضعف زیرساخت‌های قانونی و اجرایی، نتایج معکوسی ایجاد کند (جولیان و اوفوری-دانکوا،[۲] ۲۰۱۳؛ حمدون و همکاران،[۳] ۲۰۲۲). بنابراین، بررسی اثر سیاست‌های نظارتی، بدون در نظر گرفتن نقش شفافیت و تفاوت‌های نهادی، تصویری ناقص از واقعیت خواهد بود. از همین روست که در مطالعات اخیر، تأکید روزافزونی بر تحلیل رابطه بین این متغیرها به‌صورت تعاملی شده است؛ با توجه به اینکه بسیاری از تعاملات بین‌المللی بانک‌ها – اعم از مکاتبات بانکی، تأمین مالی تجاری، انتقال وجوه، و سرمایه‌گذاری مشترک – مستلزم اعتماد متقابل و ارزیابی دقیق ریسک طرف مقابل است، شفافیت مالی نه‌تنها یک تسهیل‌گر، بلکه یک الزام بنیادین تلقی می‌شود. بانک‌هایی که در زمینه افشای اطلاعات خود شفاف‌تر عمل می‌کنند، از رتبه اعتباری

---

[۱] Emter et al.(2021).
[۲] Julian &Ofori-dankwa.(2013).
[۳] Hamdoun et al.(2022).

بالاتری برخوردار شده و پذیرش بیشتری در سطح بین‌المللی خواهند داشت (صندوق بین‌المللی پول،[۱] ۲۰۲۱).

علی‌رغم اهمیت بالای این موضوع، مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌ها یا صرفاً به بررسی تأثیر مقررات بر ثبات بانکی پرداخته‌اند، یا شفافیت مالی را در قالب مطالعات افقی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ بی‌آنکه نقش واسط آن در سازوکار تعاملات بین‌المللی بانک‌ها تحلیل شود. این در حالی است که ساختار نظام بانکی در کشورهای در حال توسعه که با ضعف در شفافیت، ساختار نظارتی ناکارآمد، و ضعف در تطبیق با مقررات بین‌المللی مواجه‌اند، مستلزم پژوهشی است که به‌طور مشخص، رابطه علی میان این سه متغیر را بررسی کند (ناسور و همکاران،[۲] ۲۰۲۰).

ضرورت چنین پژوهشی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که تجربه بانک‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و آسیا را مرور کنیم. یافته‌های کلاسنس و ونهورن[۳] (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که بانک‌های واقع در کشورهایی با نظام نظارتی غیرشفاف و افشای اطلاعات ضعیف، تعاملات بین‌المللی محدودتری دارند، حتی اگر از نظر فنی، مشکلی در کفایت سرمایه یا نقدینگی نداشته باشند. این یافته‌ها تأکیدی بر آن است که سیاست‌های نظارتی کارآمد زمانی اثربخش خواهند بود که با سطح مناسبی از شفافیت مالی همراه باشند (آلبوکرکی و همکاران،[۴] ۲۰۲۵). نظام مالی بین‌الملل با فشارهای ناشی از جهانی‌شدن، ریسک‌های سیستمی فرامرزی و تفاوت‌های فاحش در ساختارهای نظارتی مواجه است. بانک‌های چندملیتی، به‌واسطه دامنه

---

[۱] International Monetary Fund .(2021).
[۲] Naceur et al.(2020).
[۳] Claessens& Van Horen.(2020).
[۴] Albuquerque et al.(2025.)

گسترده عملیات خود، در تقاطع سیاست‌های مختلف ملی و بین‌المللی قرار دارند. این درهم‌تنیدگی، مستعد ایجاد خلأهای نظارتی است که می‌تواند به کاهش شفافیت، افزایش ریسک و سرایت بحران‌ها منجر شود. از این‌رو، شناخت دقیق اثر متقابل سیاست‌های نظارتی و شفافیت مالی در تعامل بانک‌ها با ساختار بین‌المللی، از اهمیت بالایی برخوردار است، این تحقیق تلاش می‌کند با تلفیق مبانی نظری و شواهد تجربی، نقش تعدیل‌گر شفافیت مالی را در چارچوب سیاست‌های نظارتی آشکار سازد. از منظر سیاست‌گذاری، درک این روابط می‌تواند ابزار مهمی برای طراحی مقررات کارآمدتر، به‌ویژه در کشورهایی باشد که از نظر نظارت مالی و سطح افشای اطلاعات، در سطح پایین‌تری نسبت به کشورهای توسعه‌یافته قرار دارند. افزون بر آن، یافته‌های تحقیق می‌تواند مبنایی برای تدوین چارچوب‌هایی باشد که همزمان هم شفافیت را افزایش دهند و هم مانع بروز ریسک‌های پنهان در تعاملات مالی برون‌مرزی شوند. در مجموع، مسئله اساسی این تحقیق آن است که تا چه اندازه سیاست‌های نظارتی و مقرراتی می‌توانند بر تعامل بانک‌ها با نظام بانکداری بین‌الملل اثرگذار باشند، و نقش شفافیت مالی در این میان چیست؟

این تحقیق با تمرکز بر نقش میانجی شفافیت مالی، به بررسی تأثیر سیاست‌های نظارتی بر تعامل بانک‌های ایرانی با نظام بانکداری بین‌الملل می‌پردازد که تاکنون در ایران مطالعه نشده است.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه پژوهش در داخل کشور

مسجد موسوی و ذبیحی (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران» با روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل داده‌های مالی بانک‌ها

دریافتند: شفافیت مالی اثر مثبت و معناداری بر جذب سرمایه داخلی و خارجی دارد. نتایج نشان داد افزایش سطح افشا و گزارشگری مالی می‌تواند تعامل بانک‌ها با نهادهای بین‌المللی را تسهیل کند.

شهبازی غیاثی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «مولفه‌های مؤثر بر شفافیت بانکی در ایران؛ رویکرد داده‌های شبکه بانکی» با استفاده از داده‌های شبکه بانکی کشور و تحلیل رگرسیون چندگانه به بررسی عوامل مؤثر بر شفافیت پرداخت. نتایج نشان داد نسبت کفایت سرمایه و داشتن اوراق دولتی با شفافیت رابطه مثبت دارد، در حالی‌که افزایش مطالبات مشکوک‌الوصول و بنگاه‌داری بانک‌ها موجب کاهش شفافیت می‌شود. این یافته‌ها اهمیت سیاست‌های نظارتی در بهبود شفافیت مالی را تأیید می‌کند.

شکوه (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر راهبرد شفافیت، شاخص فساد و ویژگی‌های بانکی بر شاخص رقابت در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران» با بهره‌گیری از داده‌های ۲۰ بانک طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ و روش رگرسیون پانلی نشان داد: شفافیت بانکی و کاهش فساد موجب افزایش رقابت‌پذیری و بهبود کارایی بازار می‌شوند. پژوهش تأکید دارد که ارتقای شفافیت از طریق سیاست‌های نظارتی، تعامل نظام بانکی با بازیگران بین‌المللی را تقویت می‌کند.

مهرانی و محمدی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر عدم شفافیت بانکی بر توانایی مقام نظارتی در اعمال سیاست چشم‌پوشی» با استفاده از داده‌های ۲۰ بانک ایرانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ به روش رگرسیون OLS نشان دادند: کاهش شفافیت بانکی موجب افزایش تمایل نهاد ناظر به چشم‌پوشی از تخلفات و تضعیف نظارت مؤثر می‌شود. نتایج بیانگر نقش کلیدی شفافیت در بهبود کارایی سیاست‌های نظارتی است.

عبده تبریزی و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش شفافیت اطلاعات بانک‌های خصوصی منتخب ایران بر مبنای ریسک» با تحلیل داده‌های صورت‌های مالی بانک‌های خصوصی و سنجش ریسک با شاخص ارزش در معرض ریسک (VaR) نشان داد: شفافیت اطلاعات مالی رابطه منفی با ریسک اعتباری دارد. این مطالعه نتیجه گرفت افزایش شفافیت می‌تواند به بهبود اعتماد عمومی و تعامل بین‌المللی بانک‌ها منجر شود.

۲-۲. پیشینه پژوهش در خارج کشور

چن[۱](۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «شفافیت بانکی و جریان سپرده‌ها» با استفاده از مدل تفاوت در تفاوت و داده‌های ۲۵ ساله از بانک‌های آمریکایی بررسی کرد که چگونه شفافیت مالی بر رفتار سپرده‌گذاران تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان داد: بانک‌های شفاف‌تر جریان سپرده‌های حساس‌تری دارند، اما این شفافیت در بلندمدت موجب افزایش اعتماد سپرده‌گذاران و تقویت ثبات مالی می‌شود.

فرانچ[۲](۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «اثرات فرامرزی مقررات احتیاطی: شواهدی از منطقه یورو» داده‌های ۲۴۸ بانک در ۱۶ کشور منطقه یورو را طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ و با استفاده از روش پانل دیتا تحلیل کرد. نتایج نشان داد که سیاست‌های احتیاطی در یک کشور می‌تواند عملکرد بانک‌های خارجی در سایر کشورها را به‌طور معناداری تحت‌تأثیر قرار دهد و هماهنگی در شفافیت نظارتی می‌تواند این اثرات را تعدیل کند.

دامار و موردل[۳](۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «بانکداری بین‌المللی و اثرات فرامرزی مقررات: درس‌هایی از کانادا» با بررسی داده‌های بانک‌های کانادایی طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ و به روش مدل‌های اثرات ثابت نشان دادند که تشدید مقررات احتیاطی در کشورهای مقصد

---

۱. Chen.(2022).
۲. Franch.(2021).
۳. Damar&Mordel.(2018).

موجب افزایش وام‌دهی بانک‌های کانادایی به آن کشورها می‌شود. یافته‌ها همچنین بر وجود آربیتراژ مقرراتی و اهمیت شفافیت داده‌های مالی برای کنترل این پدیده تأکید دارند.

برروسپاید[۱] و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «بانکداری بین‌المللی و اثرات فرامرزی مقررات: درس‌هایی از ایالات متحده» با استفاده از داده‌های بانکی ایالات متحده طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ و به روش تحلیل پانل دیتا بررسی کردند که چگونه تغییرات مقررات داخلی بر وام‌دهی بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. نتایج این پژوهش نشان داد که مقررات داخلی می‌تواند اثرات فرامرزی قابل‌توجهی ایجاد کند و هماهنگی مقررات میان کشورها برای جلوگیری از اختلال در تعاملات بانکی بین‌المللی ضروری است.

کوپلویویچ[۲] و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «شفافیت نظارتی مالی: داده‌های جدید و پیامدها برای سیاست‌های اتحادیه اروپا» با طراحی شاخص شفافیت نظارتی مالی (FRT Index) در ۶۸ کشور، روند افشای داده‌های نظارتی طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱ را بررسی کردند. نتایج نشان داد: شفافیت نظارتی در سطح جهان نامتوازن است و کشورهایی که نهادهای نظارتی بازتری دارند، تعامل بانکی بین‌المللی کارآمدتری را تجربه می‌کنند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است و از نظر هدف در زمره تحقیقات کاربردی است. جامعهٔ آماری این تحقیق شامل کارشناسان و مدیران حوزه‌های بین‌الملل، ریسک، حسابداری و نظارت بانک های شهر تهران بود. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران

---

[۱] Berrospide.(2016).
[۲] Copelovitch.(2015).

استفاده شد و همچنین، با توجه به استفاده از مدل معادلات ساختاری و تعداد پارامترهای مدل، حداقل حجم نمونه مورد نیاز ۵ تا ۱۰ برابر تعداد گویه‌ها در پرسشنامه در نظر گرفته شد. در نهایت، ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در بین آن‌ها توزیع و جمع‌آوری شد.

[1](۰,۰۵)	۰,۰۰۲۵	۰,۰۰۲۵	

برای گردآوری داده‌ها از سه پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. این پرسشنامه ها به دلیل برخورداری از اعتبار و پایایی تایید شده در مطالعات معتبر بین المللی انتخاب شدند و فرآیند ترجمه و بومی سازی آن ها تحت نظر متخصصان انجام پذیرفت.

۱- پرسشنامه‌ی سیاست های نظارتی و مقرراتی:

از پرسشنامه استاندارد بارت و همکاران[1](۲۰۱۳) استفاده شد. این ابزار در قالب ۲۰ گویه و در پنج بعد (افشاگری و حسابرسی الزامی، توان و استقلال نهاد ناظر، ساختار و شدت نظارت، مقررات کفایت سرمایه و مقررات ورود و مالکیت) طراحی شده است.

۲- پرسشنامه شفافیت مالی:

از پرسشنامه استاندارد چن و همکاران[2](۲۰۱۰) استفاده شد. این ابزار در مجموع شامل ۱۲ گویه و در چهار بعد (شفافیت عملیات و معاملات، کیفیت گزارشگری مالی، افشای مالی و افشای ریسک ها) است.

---

[1]. Barth et al.(2013).
[2]. Chen et al.(2010).

۳- پرسشنامه تعامل بین المللی بانکی:

از پرسشنامه استاندارد بوخ و نویگباوئر[۱](۲۰۱۷) استفاده شد. این ابزار در قالب ۱۳ سؤال و چهار بعد (میزان استفاده از خدمات بین المللی، گستردگی شبکه بین المللی، توانمندی در مدیریت ریسک ها و تعامل با نظام بانکداری بین المللی) می‌باشد. شیوه نمره‌گذاری تمامی پرسشنامه ها بر اساس یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بود.

روایی و پایایی پرسشنامه ها:

پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از دو شاخص آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (Composite Reliability) مورد سنجش قرار گرفت. مقادیر آلفای کرونباخ برای سازه های سیاست های نظارتی و مقرراتی (۰/۸۹)، شفافیت مالی (۰/۸۷) و تعامل بین المللی بانکی (۰/۹۴) و همچنین مقادیر پایایی ترکیبی برای تمامی سازه ها بالاتر از ۰,۷ بود که نشان از پایایی مطلوب ابزار پژوهش دارد.

جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آمار توصیفی برای تحلیل ویژگی های جمعیت‌شناختی استفاده شد و در بخش آمار استنباطی برای آزمون فرضیات پژوهش از آزمون مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۷ برای تحلیل های مقدماتی و PLS نسخه ۳ برای برازش مدل اندازه گیری و ساختاری استفاده شد.

---

[۱] Buch&Neugebauer.(2017).

۴. نتایج پژوهش

شفافیت مالی در ایران به عنوان یک عامل کلیدی تقویت‌کننده شناسایی شده است.درخصوص ویژگی‌های جمعیت‌شناختی،نتایج نشان داد، بیشترین پاسخ‌دهندگان ۳۴/۷ درصد دارای سن ۳۱ تا ۳۵ سال و کمترین ۸/۱ درصد بالای ۴۶ سال بودند. بیشترین پاسخ-دهندگان ۶۵/۳ درصد مرد بودند. بیشترین پاسخ‌دهندگان ۳۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و کمترین ۶/۵ درصد دکترا بودند. بیشترین پاسخ‌دهندگان ۵۳/۶ درصد دارای سابقه خدمت ۶ تا ۱۰ سال بودند و کمترین ۱۰/۴ درصد دارای سابقه ۲۵ سال به بالا بودند. به منظور برقراری پیش‌فرض‌های آزمون معادلات ساختاری از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه‌شده است. بر اساس نتایج این آزمون، در سطح ۰/۰۰۱، روابط معناداری وجود دارد؛ لذا مفروضه انجام آزمون معادلات ساختاری برقرار است و می‌توان از این آزمون استفاده کرد.

جدول ۱. همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱- تعامل بین المللی بانکی	۱		
۲-شفافیت مالی	۰/۴۹۸	۱	
۳- سیاستهای نظارتی مقرراتی	۰/۵۹۴	۰/۶۶۴	۱

**معنادار در سطح ۰/۰۰۱

در ادامه مدل مفهومی پژوهش با استفاده معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی بررسی و طی آن برازش مدل در سه بخش بررسی شد: الف) برازش مدل اندازه گیری، ب) برازش مدل ساختاری، ج) برازش کلی مدل.

برای بررسی برازش مدل های اندازه گیری، سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می شود. بر اساس نتایج ارائه‌شده در جدول شماره ۲، مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی[۱] و میانگین واریانس استخراجی برای تمامی متغیرها در محدوده قابل قبول قرار دارد.

جدول ۲. بررسی پایایی و روایی همگرا مدل اندازه‌گیری

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	(AVE)
افشاگری و حسابرسی الزامی	۰/۸۱۴	۰/۸۶۲	۰/۵۵۵
افشای ریسک ها	۰/۸۸۷	۰/۹۳۰	۰/۸۱۵
افشای مالی	۰/۸۰۵	۰/۸۷۲	۰/۶۳۲
تعامل با نظام بانکداری بین المللی	۰/۷۴۳	۰/۸۵۵	۰/۶۶۸
تعامل بین المللی بانکی	۰/۹۳۹	۰/۹۴۸	۰/۵۸۹
توان و استقلال نهاد ناظر	۰/۸۱۰	۰/۹۱۳	۰/۸۴۰
توانمندی در مدیریت ریسک ها	۰/۷۹۳	۰/۸۸۰	۰/۷۱۵
ساختار و شدت نظارت	۰/۸۶۷	۰/۹۰۹	۰/۷۱۴
سیاستهای نظارتی مقرراتی	۰/۹۴۴	۰/۹۵۱	۰/۵۴۰
شفافیت عملیات و معاملات	۰/۷۳۵	۰/۸۰۳	۰/۶۷۳
شفافیت مالی	۰/۹۳۹	۰/۹۴۹	۰/۶۱۳
مقررات ورود و مالکیت	۰/۸۷۰	۰/۹۲۰	۰/۷۹۴
مقررات کفایت سرمایه	۰/۷۷۸	۰/۷۷۹	۰/۶۴۳
میزان استفاده از خدمات بین	۰/۹۱۳	۰/۹۳۹	۰/۷۹۳
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۸۸۰	۰/۹۲۶	۰/۸۰۷
گستردگی شبکه بین المللی	۰/۷۹۵	۰/۸۸۰	۰/۷۱۰

۱. Composite Reliability

برای بررسی روایی واگرا از روش ماتریس فورنل و لارکر[۱] استفاده شد. در قطر اصلی این ماتریس، جذر میانگین واریانس استخراجی متغیرها وارد می‌شود و جهت تأیید روایی واگرا، لازم است این مقدار بیش از همبستگی میان آن متغیر با سایر متغیرها باشد. نتایج جدول شماره ۳، نشان‌دهنده روایی واگرای مناسب و برازش خوب مدل‌های اندازه‌گیری است.

جدول ۳. بررسی روایی واگرای مدل به روش فورنل و لارکر

۱. Fornell&Larcker

سازه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
افشاگری و حسابرسی	۰/۷۴۵															
افشای ریسک ها	۰/۶۵۹	۰/۹۰۳														
افشای مالی	۰/۵۰۱	۰/۶۸۱	۰/۷۹۵													
تعامل با نظام بانکداری	۰/۵۰۶	۰/۵۹۰	۰/۶۷۰	۰/۸۱۷												
تعامل بین المللی بانکی	۰/۶۵۳	۰/۵۸۷	۰/۵۳۸	۰/۵۸۹	۰/۷۶۷											
توان و استقلال نهاد ناظر	۰/۵۶۱	۰/۶۸۷	۰/۸۰۴	۰/۷۸۰	۰/۵۸۸	۰/۹۱۷										
توانمندی در مدیریت ریسکها	۰/۶۶۱	۰/۴۲۹	۰/۶۰۸	۰/۷۴۸	۰/۶۳۸	۰/۵۷۸	۰/۸۴۵									
ساختار و شدت نظارت	۰/۶۳۳	۰/۶۳۱	۰/۷۵۳	۰/۶۱۷	۰/۷۱۶	۰/۵۸۰	۰/۴۶۶	۰/۸۴۶								
سیاستهای نظارتی	۰/۵۷۱	۰/۴۰۷	۰/۶۰۸	۰/۵۰۹	۰/۵۱۸	۰/۴۱۸	۰/۷۰۱	۰/۵۰۹	۰/۷۳۵							
شفافیت عملیات و	۰/۶۷۱	۰/۶۴۷	۰/۶۹۷	۰/۶۳۱	۰/۶۵۸	۰/۴۸۷	۰/۵۹۱	۰/۷۳۴	۰/۳۸۹	۰/۸۲۱						
شفافیت مالی	۰/۴۲۱	۰/۵۱۸	۰/۳۹۹	۰/۶۱۵	۰/۶۹۱	۰/۵۴۹	۰/۶۹۳	۰/۶۷۶	۰/۶۹۱	۰/۶۹۳	۰/۷۸۳					
مقررات ورود و مالکیت	۰/۵۲۷	۰/۶۳۳	۰/۶۷۹	۰/۵۳۲	۰/۶۷۵	۰/۶۸۲	۰/۶۰۱	۰/۷۵۳	۰/۶۲۸	۰/۶۳۰	۰/۸۵۲	۰/۸۹۱				
مقررات کفایت سرمایه	۰/۶۱۹	۰/۵۹۹	۰/۶۵۳	۰/۶۷۸	۰/۶۸۱	۰/۶۴۶	۰/۶۲۸	۰/۷۱۵	۰/۷۴۲	۰/۶۳۷	۰/۷۴۰	۰/۶۰۵	۰/۸۰۲			
میزان استفاده از خدمات بین المللی	۰/۶۱۲	۰/۵۸۴	۰/۴۸۰	۰/۶۳۷	۰/۶۲۹	۰/۶۸۵	۰/۶۳۲	۰/۷۷۴	۰/۵۹۳	۰/۷۴۶	۰/۶۵۱	۰/۷۹۵	۰/۷۱۵	۰/۸۹۱		
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۶۲۴	۰/۴۵۸	۰/۵۸۸	۰/۶۷۲	۰/۶۰۹	۰/۵۱۴	۰/۶۰۲	۰/۷۴۱	۰/۵۸۹	۰/۷۰۹	۰/۶۶۲	۰/۸۱۵	۰/۶۶۱	۰/۷۴۹	۰/۸۹۸	
گستردگی شبکه بین المللی	۰/۵۵۹	۰/۶۵۸	۰/۶۷۰	۰/۶۸۷	۰/۶۳۶	۰/۶۷۸	۰/۷۱۶	۰/۶۴۱	۰/۷۳۲	۰/۶۳۱	۰/۶۶۱	۰/۷۵۴	۰/۶۸۰	۰/۶۶۳	۰/۷۳۰	۰/۸۴

در بررسی مدل ساختاری، شاخص اشتراک، افزونگی، ضریب تعیین **(R۲)** و نیکویی برازش (GOF) برای تناسب مدل بررسی می‌شود که نتایج آن در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. شاخص اشتراک افزونگی و ضریب تعیین (R^2) برای متغیرهای پژوهش

متغیر	اشتراک	افزونگی	R^2
افشاگری و حسابرسی الزامی	۰/۳۳۳	۰/۲۵۸	۰/۵۶۵
افشای ریسک ها	۰/۵۵۶	۰/۶۴۷	۰/۸۴۳
افشای مالی	۰/۳۸۸	۰/۵۱۷	۰/۸۸۱
تعامل با نظام بانکداری بین المللی	۰/۳۵۸	۰/۵۰۱	۰/۷۹۰
تعامل بین المللی بانکی	۰/۵۰۱	۰/۴۷۸	۰/۸۷۸
توان و استقلال نهاد ناظر	۰/۴۱۶	۰/۶۷۵	۰/۸۴۳
توانمندی در مدیریت ریسک ها	۰/۴۳۳	۰/۴۷۱	۰/۶۹۹
ساختار و شدت نظارت	۰/۴۹۱	۰/۵۴۵	۰/۸۲۰
سیاستهای نظارتی مقرراتی	۰/۴۶۶	--	--
شفافیت عملیات و معاملات	۰/۱۲۱	۰/۳۹۴	۰/۶۲۹
شفافیت مالی	۰/۵۱۸	۰/۴۶۹	۰/۸۳۸
مقررات ورود و مالکیت	۰/۵۲۴	۰/۵۵۴	۰/۷۴۳
مقررات کفایت سرمایه	۰/۰۷۹	۰/۴۲۷	۰/۷۰۹
میزان استفاده از خدمات بین المللی	۰/۵۹۹	۰/۶۳۶	۰/۸۵۸
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۵۴۶	۰/۷۰۴	۰/۹۲۶
گستردگی شبکه بین المللی	۰/۳۹۹	۰/۵۸۳	۰/۸۷۶

همچنین مقدار معیار نیکویی برازش معادل ۰/۸۵۱ به دست آمد که نشان از برازش قوی مدل کلی پژوهش است.

$$GOF = \sqrt{۰/۹۱۳ \times ۰/۷۹۳} = ۰/۸۵۱$$

شکل ۱. مدل در حالت استاندارد

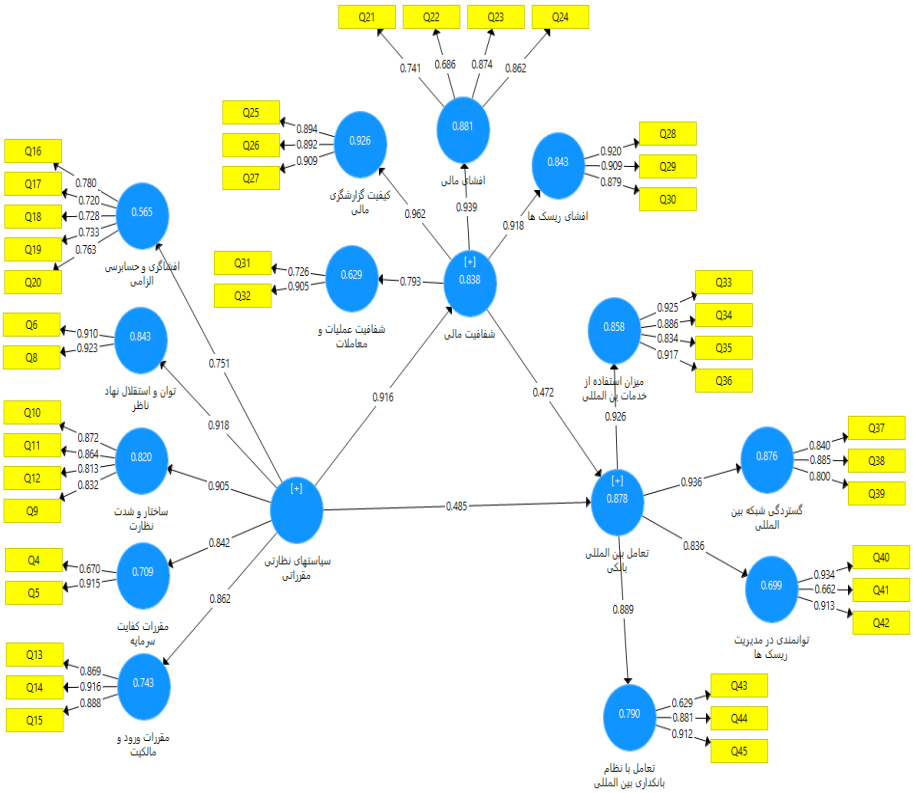

جدول۵. نتیجه آزمون فرضیات پژوهش مدل ساختاری

مسیر بین سازه‌ها	ضریب استاندارد	آماره T	مقادیر P	تأیید/رد
سیاست‌های نظارتی و مقرراتی--->تعامل بین المللی بانکی	۰/۴۸۵	۴/۵۵۸	۰/۰۰۱	تأیید
سیاست‌های نظارتی و مقرراتی--->شفافیت مالی	۰/۹۱۶	۶۰/۱۱۷	۰/۰۰۱	تأیید
شفافیت مالی--->تعامل بین المللی بانکی	۰/۴۷۲	۴/۰۸۳	۰/۰۰۱	تأیید
سیاست‌های نظارتی و مقرراتی --->شفافیت مالی-->تعامل بین المللی بانکی	۰/۴۳۳	۴/۱۰۹	۰/۰۰۱	تأیید

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست‌های نظارتی و مقرراتی با ایجاد چارچوب‌های شفاف و منسجم، بستر تعامل مؤثر با نظام بانکداری بین‌الملل را فراهم می‌کنند و شفافیت مالی نقش کلیدی در تقویت این ارتباط دارد، ترکیب سیاست‌های نظارتی کارآمد با ارتقای شفافیت مالی می‌تواند اعتماد و همکاری پایدار میان بانک‌های داخلی و نهادهای بین‌المللی را تضمین کند. هدف از انجام این تحقیق بررسی تأثیر سیاست‌های نظارتی و مقرراتی بر تعامل با نظام بانکداری بین‌الملل با نقش میانجی شفافیت مالی بود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین سیاست‌های نظارتی و مقرراتی با شفافیت مالی، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد، همچنین سیاست‌های نظارتی از طریق شفافیت مالی بر تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند. این نتایج با مطالعات نیل و همکاران (۲۰۲۰) و بک و همکاران (۲۰۱۳) هم‌راستا است که تأکید کرده‌اند مقررات سخت‌گیرانه در زمینه گزارشگری و استانداردهای حسابداری، موجب بهبود کیفیت افشا و ارتقای شفافیت مالی بانک‌ها می‌شود. همچنین، تحقیقات نیکولتی و ژو (۲۰۲۲) بیان می‌کند که الزام به رعایت نظارت‌های شفاف، با کاهش ابهامات در صورت‌های مالی و افزایش دسترسی عمومی به اطلاعات، اعتماد ذی‌نفعان

را تقویت می‌کند. بر پایه نظریه «عدم تقارن اطلاعات» آکرلوف (۱۹۷۰)، هرچه اطلاعات مالی کامل‌تر و قابل اطمینان‌تر باشد، ریسک انتخاب نادرست و مشکلات اخلاقی کاهش می‌یابد. از

این رو، سیاست‌های نظارتی با الزام به افشا و استانداردسازی گزارشگری به کاهش عدم تقارن اطلاعات کمک کرده و به همین دلیل رابطه مثبت مشاهده‌شده بین این متغیرها قابل توجیه است.

تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که شفافیت مالی نقش مهم و مثبتی در تقویت تعامل بانک‌های داخلی با نظام بانکداری بین‌المللی ایفا می‌کند. این یافته با نتایج مطالعه ایشلر، لیتکه و تونزر (۲۰۱۷) مطابقت دارد که نشان داده‌اند افزایش شفافیت در عملکرد بانک مرکزی و گزارش‌های مالی بانک‌ها، موجب رشد درخواست‌های برون‌مرزی بانک‌های خارجی می‌شود. علاوه بر این، تحقیقات بارت و همکاران (۲۰۰۶) بیان می‌کند کشورهایی که استانداردهای افشای مالی در آن‌ها قوی‌تر است، بیشتر مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی و نهادهای بانکی بین‌المللی قرار می‌گیرند. از دیدگاه نظریه «اعتماد نهادی»، شفافیت به‌عنوان یک مکانیزم نظارتی غیرمستقیم، هزینه‌های مربوط به تعامل و ارزیابی ریسک را برای طرف‌های خارجی کاهش داده و به همین دلیل، انگیزه آن‌ها برای همکاری و تعامل با نظام بانکی کشور افزایش می‌یابد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های نظارتی و مقرراتی تأثیر قابل‌توجهی بر تعاملات بانکی بین‌المللی دارند. این نتایج با مطالعه ایچیو و لمبرت (۲۰۱۶) همسو است که نشان دادند پس از بحران مالی، اعمال استانداردهای سرمایه‌ای سخت‌گیرانه و الزام‌های نظارتی در بسیاری از کشورها موجب افزایش اعتماد نهادهای مالی خارجی شده است. البته، چتورلی و گلدبرگ (۲۰۱۴) هشدار می‌دهند که اعمال مقررات بیش از حد می‌تواند هزینه‌های انطباق را افزایش داده و فعالیت‌های برون‌مرزی را محدود کند. از دیدگاه نظری، این رابطه را می‌توان با مفهوم «مقررات به‌عنوان سیگنال کیفیت» توضیح داد که معتقد است اجرای قوانین سخت‌گیرانه به بازیگران خارجی اطمینان از کیفیت نهادی و کاهش ریسک می‌دهد و این امر به نوبه خود موجب تقویت تعاملات بین‌المللی می‌شود.

همچنین نتایج نشان داد که تأثیر سیاست‌های نظارتی و مقرراتی بر تعاملات بین‌المللی از طریق افزایش شفافیت مالی به صورت معنادار منتقل می‌شود. این یافته با مدل میانجی‌گری ارائه‌شده توسط ایچیو و لمبرت (۲۰۱۶) تطابق دارد که نشان می‌دهد بخشی از اثر مثبت

مقررات بر تعاملات بین‌المللی به واسطه ارتقاء شاخص‌های شفافیت اتفاق می‌افتد. از منظر نظری، این الگو را می‌توان بر اساس «کانال‌های انتقال سیاست» تبیین کرد؛ به این معنا که مقررات به‌تنهایی ممکن است تأثیر محدودی داشته باشند، اما هنگامی که منجر به بهبود افشا و شفافیت شوند، تأثیر آن‌ها بر تعاملات بین‌المللی چند برابر می‌شود.

نتیجه‌گیری کلی

یافته‌های کلی تحقیق نشان داد که سیاست‌های نظارتی و مقرراتی بر تعامل بانک‌های داخلی با نظام بانکداری بین‌الملل تأثیر مثبت و معناداری دارند و این رابطه از مسیر شفافیت مالی تقویت می‌شود. این یافته با نتایج ایچلر و همکاران (۲۰۱۷) همخوان است که هر دو تأکید دارند ترکیب مقررات قوی با شفافیت بالا، مهم‌ترین عامل در تقویت همکاری‌های بانکی فرامرزی است. از منظر نظری، این الگو با تلفیق نظریه «عدم تقارن اطلاعات» و «اعتماد نهادی» توضیح‌پذیر است؛ زیرا مقررات قوی بدون شفافیت کافی، اثر محدودی بر اعتماد و تعاملات خواهد داشت، اما همراهی این دو، بیشینه اثر را ایجاد می‌کند.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که مسیر اصلی تاثیرگذاری سیاست‌های نظارتی بر تعامل بین‌المللی، از کانال شفافیت مالی می‌گذرد. به عبارت دیگر، مقرراتی که منجر به افشای داوطلبانه یا اجباری اطلاعات نمی‌شوند، اثرگذاری کمتری در جلب اعتماد نهادهای بین‌المللی خواهند داشت. این یافته برای سیاست‌گذاران این پیام مهم را دارد که برای ادغام موفق در نظام بانکداری بین‌المللی، باید به طور همزمان بر تقویت هر دو رکن "مقررات کیفیت" و "شفافیت اطلاعات" تمرکز کنند. شفافیت، زبان مشترکی است که امکان گفت‌وگو و اعتمادسازی بین بانک‌های داخلی و بازیگران جهانی را فراهم می‌سازد.

پیشنهادات برخاسته از یافته‌ها

۱- تقویت چارچوب‌های نظارتی و مقرراتی شفاف:

ایران باید سیاست‌های نظارتی خود را با تاکید بر افزایش شفافیت مالی ارتقا دهد؛ به‌طوری‌که بانک‌ها ملزم به گزارش‌دهی دقیق و به‌موقع اطلاعات مالی شوند تا اعتماد بانک‌های بین‌المللی افزایش یابد و تعاملات فرامرزی تسهیل شود.

۲- ترویج استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی:
اجرای کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، می‌تواند شفافیت صورت‌های مالی بانک‌های ایرانی را به سطح بین‌المللی برساند و به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند.
۳- ایجاد سامانه‌های الکترونیکی شفافیت و افشای مالی:
توسعه سامانه‌های فناوری اطلاعات برای انتشار اطلاعات مالی به‌صورت آنلاین و دسترسی آسان برای ذی‌نفعان داخلی و خارجی، می‌تواند مانع سوءتفاهم‌ها و کاهش ریسک اطلاعاتی شود.
۴- آموزش و ارتقای فرهنگ شفافیت در بانک‌ها:
با برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران و کارکنان بانک‌ها در زمینه اهمیت شفافیت و انطباق با مقررات، می‌توان سازوکارهای اجرایی شفافیت را در بانک‌ها بهبود بخشید.
۵- تقویت همکاری با نهادهای بین‌المللی:
همکاری با نهادهایی مانند IMF و بانک جهانی برای دریافت مشاوره و کمک فنی در زمینه ارتقای استانداردهای نظارتی و شفافیت، به تسهیل ارتباطات و افزایش اعتبار نظام بانکی ایران کمک خواهد کرد.
۶- تقویت سامانه‌های افزایش افشای الکترونیک برای افزایش شفافیت و جلب اعتماد بین‌المللی.

منابع

شکوه، حسن.، حاجی‌ملامیرزایی، محمدصادق.، و حاجی‌ملامیرزایی، حمید. (۱۴۰۰). تأثیر راهبرد شفافیت، شاخص فساد و ویژگی‌های بانکی بر شاخص رقابت در بانک‌های منتخب بورسی. پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه، ۲(۴)، ۱۳۱-۱۵۹.

شهبازی‌غیاثی، موسی. (۱۴۰۳). بررسی مولفه‌های مؤثر بر شفافیت بانکی در ایران؛ رویکرد داده‌های تابلویی. پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه، ۵(۳)، ۶۵-۸۹.

مسجدموسوی، میرسجاد. س.، و ذبیحی، حسین. (۱۴۰۴). بررسی رابطه بین شفافیت مالی و جذب سرمایه در نظام بانکی ایران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۹(۳۳)، ۱۱۵۲-۱۱۸۱.
https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/3170

مهرانی، ساسان.، و محمدی، فائزه. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر عدم شفافیت بانکی بر توانایی اعمال سیاست چشم‌پوشی توسط مقام نظارتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۸(۳)، ۴۸۷-۵۰۶. https://doi.org/10.22059/acctgrev.2021.324265.1008560

Abdoh Tabrizi, H., Tehrani, R., & Baghani, A. (2024). Stability of the correlation between book and market value at risk as a measure of banks' information transparency. *Iranian Journal of Finance*, *8*(2), 47–72. https://doi.org/10.61186/ijf.2024.434870.1456

Akerlof, G. A. (1970). The market for “lemons”: Quality uncertainty and the market mechanism. *Quarterly Journal of Economics*, *84*(3), 488–500. https://doi.org/10.2307/1879431

Albuquerque, B., Cerutti, E., Firat, M., & Chen, N. (2025). *From banks to nonbanks: Macroeconomic and monetary policy effects on corporate lending*. SSRN. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=5270973

Barth, J. R., Caprio, G., Jr., & Levine, R. (2006). *Rethinking bank regulation: Till angels govern*. Cambridge University Press.

Barth, J. R., Caprio, G., & Levine, R. (2013). Bank regulation and supervision in 180 countries from 1999 to 2011. *Journal of Financial Economic Policy*, *5*(2), 111–219.

Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., & Merrouche, O. (2013). Islamic vs. conventional banking: Business model, efficiency and stability. *Journal of Banking & Finance*, *37*(2), 433–447. https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2012.09.016

Berrospide, J. M., & Lee, S. (2016). International banking and cross-border effects of regulation: Lessons from the United States. *International Journal of Central Banking*, *12*(1), 1–48. https://www.ijcb.org/journal/ijcb17q1a16.htm

Borio, C. E., Farag, M., & Zampolli, F. (2023). *Tackling the fiscal policy-financial stability nexus*. Bank for International Settlements, Monetary and Economic Department.

Buch, C. M., & Neugebauer, K. (2017). International bank network structures and contagion risk. *Journal of Financial Stability*, *33*, 132–144.

Chen, H., Tang, Q., Jiang, Y., & Lin, Z. (2010). The effects of financial reporting quality on loan contracting: Evidence from China. *The Accounting Review*, *85*(1), 157–196.

Chen, Y. (2022). Bank transparency and deposit flows. *Journal of Monetary Economics*, *124*, 1–19. https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0304393222000166

Copelovitch, M. S., Gandrud, C., & Hallerberg, M. (2015). *Financial regulatory transparency: New data and implications for EU policy* (Bruegel Policy Contribution, Issue 2015/13). Bruegel. https://www.bruegel.org/wp-content/uploads/imported/publications/PC-13-2015.pdf

Damar, H. E., & Mordel, A. (2018). International banking and cross-border effects of regulation: Lessons from Canada. *International Journal of Central Banking*, *13*(Supplement 1), 35–64. https://www.ijcb.org/journal/ijcb17q1a2.htm

Dincer, N. N., & Eichengreen, B. (2018). Central bank transparency and independence: Updates and new measures. *International Journal of Central Banking*, 34th issue (March 2014).

Dinger, V., & te Kaat, D. M. (2020). Cross-border capital flows and bank risk-taking. *Journal of Banking & Finance*, *117*, 105842.

Dokas, I., Oikonomou, G., Panagiotidis, M., & Spyromitros, E. (2023). Macroeconomic and uncertainty shocks' effects on energy prices: A comprehensive literature review. *Energies*, *16*(3), 1491.

Eichler, S., Littke, H. C. N., & Tonzer, L. (2017). Central bank transparency and cross-border banking. *Journal of International Money and Finance*, *74*, 1–30. https://doi.org/10.1016/j.jimonfin.2017.02.001

Eichler, S., Littke, H. C., & Tonzer, L. (2017). Central bank transparency and cross-border banking. *Journal of International Money and Finance*, *74*, 1–30.

Emter, L., Killeen, N., & McQuade, P. (2021). Bank and non-bank financial institutions' cross-border linkages: New evidence from international banking data. *Financial Stability Notes, 3*.

Franch, F., Nocciola, L., & Żochowski, D. (2021). Cross-border effects of prudential regulation: Evidence from the Euro Area. *Journal of Financial Stability*, *53*, 100820. https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S1572308920301236

Ha, J., Kose, M. A., & Ohnsorge, F. (2023). One-stop source: A global database of inflation. *Journal of International Money and Finance*, *137*, 102896.

Hamdoun, M., Achabou, M. A., & Dekhili, S. (2022). Could CSR improve the financial performance of developing countries' firms? Analyses of mediating effect of intangible resources. *European Business Review*, *34*(1), 41–61.

Ichiue, H., & Lambert, F. (2016). *Post-crisis international banking: An analysis with new regulatory survey data* (IMF Working Paper No. 16/88). International Monetary Fund. https://doi.org/10.5089/9781484372538.001

International Monetary Fund. (2021). *Global financial stability report: COVID-19, crypto, and climate*. International Monetary Fund.

International Monetary Fund. (2022). *Unmasking control: A guide to beneficial ownership transparency*. IMF.

Julian, S. D., & Ofori-Dankwa, J. C. (2013). Financial resource availability and corporate social responsibility expenditures in a sub-Saharan

economy: The institutional difference hypothesis. *Strategic Management Journal*, *34*(11), 1314–1330.

Naceur, S. B., Marton, K., & Roulet, C. (2020). *Basel III and bank-lending: Evidence from the MENA region* (IMF Working Paper WP/20/70). International Monetary Fund.

Nicoletti, G., & Zhu, J. (2022). Economic consequences of transparency regulation: Evidence from bank mortgage lending. *The Review of Financial Studies*, *35*(7), 3053–3094. https://doi.org/10.1093/rfs/hhab070

Ongena, S., Popov, A., & Udell, G. F. (2013). “When the cat's away the mice will play”: Does regulation at home affect bank risk-taking abroad? *Journal of Financial Economics*, *108*(3), 727–750.

Verrecchia, R. E. (1983). Discretionary disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, *5*, 179–194.